

## راه اندازی باشگاه کارآفرینان نوجوان در لرستان

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی لرستان گفت: «راه اندازی باشگاه کارآفرینان نوجوان در راستای رونق کارآفرینی است و در حال حاضر ۸۰ نفر از دانش آموزان مستعد در این زمینه فعالیت دارند.» به گزارش خبرگزاری «ایلنا»، علی آشتاب در هفتمین جشنواره تکریم چهره‌های برتر که در سالن جلسات تامین اجتماعی برگزار شد بایان اینکه باید الگوهای موفق را به جامعه معرفی کنیم، اظهار داشت: «جوانان، دانشجویان و فعالان اقتصادی نیاز به الگوبرداری از کارآفرینان دارند، ولی گاهی اوقات مقوله کارآفرینی را با شکل گیری یک بنگاه اقتصادی اشتباه می گیریم و باید بدانیم هرکسی که یک تشکیلات اقتصادی راه اندازی کرد کارآفرین نیست، بلکه کارآفرین نوآور، خلاق، تولید فکر و ایده دارد.»

یکشنبه ● ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ ● شماره صد و نود و چهار

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

آزمایشش

می توانیم از صفر شروع کنیم

گفت و گوی نوروzy با همایون و فریارضایی، زنبوردارهای دالاهو

# زنبورهای سرپل ذهاب در انتظار بهارند

●فاطمه علی اصغر●  
●روزنامه نگار●

سرپل ذهاب را زلزله، سر زبان ها انداخت. سرپل ذهاب اما تنها تنی زخمی از پس لرزه ها نیست. سرزمینی است سبز با طبیعتی کم نظیر و دشت هایی فراخ با گل هایی رنگارنگ. فریبا و همایون رضایی در همین سرزمین با یکدیگر آشنا شدند. ازدواج کردند و بالیدند. فریبا دیپلم طراحی دوخت دارد و همایون دیپلم فنی، اما آنچه آن ها را با هم همراه کرد زنبورها بودند. همایون عاشق زنبورها بود و این دلبستگی او را به سمی سوق داد تا زنبورها را پرورش دهند و از آن ها عسل بگیرند. زندگی و کار آن ها با هم آمیخت. زنبورها امید و انگیزه ای برای درآمد در سرزمینی شدند که طبیعتش همواره نادیده گرفته شده است. آن ها با همه ضرها دست و پنجه نرم کردند تا اینکه سرانجام توانستند به سود برسند و برای خودشان کاسبی کوچک رویه راه کنند. آرزویشان این است که طبع خروشان طبیعت با آن ها هم ساز شود تا بتوانند کارشان را گسترش دهند و سر سفره شان هم وطنانشان را بنشانند و با هم این کار را بیشتر و بیشتر توسعه دهند.

#### ■ چرا زنبورداری؟

«همایون، شوهرم علاقه زیادی به زنبورها داشت. از همان زمان که با هم ازدواج کردیم با علاقه در مورد روش زندگی و تولید عسل زنبورها برایم صحبت می کرد. همان شد که یک روز با هم گفتیم چطور است زنبورداری کنیم و این شد که دو، سه کندو زنبور عسل گرفتیم.» فریبا نقب به شش سال پیش می زند و خاطراتش را مدام بالا و پایین می کند و از میانشان گل سرسبدش را بیرون می کشد تا ما را با ابتدای شکل گیری ایده و کارشان آشنا کند.

«البته خیلی هم ضرر و زیان داشتیم. چند بار به شدت زمین خوردیم. شکست پشت شکست. یک بار زنبورهایمان مردند. یک بار باران زیاد آمد و تخم ریزی شان کم شد، اما هر بار دوباره از ابتدا شروع کردیم و ناامید نشدیم. می دانید بیشتر از همه، اعتقادمان به کار ما را زنده نگه داشت و امیدوار.» فریبا با تعریف ماجرای زلزله بزرگ سرپل ذهاب که می رسد، صدایش می لرزد: «زلزله که آمد، تمام هستی ما با خاک یکسان شد. تنها ده، دوازده تا از زنبورهای ما جان سالم به در بردند. خیلی ضرر کردیم، اما دوباره با همین چندتایی که زنده مانده بودند کار را شروع کردیم. به خودمان گفتیم که باید دوباره همه چیز را از سر بگیریم حتی با دست خالی.»

#### ■ بعد از زلزله چه شد؟

«بعد از مرگومیر زنبورها، تصمیم گرفتیم با همین چند زنبور باقی مانده کارمان را از سر بگیریم. شوهرم زمینی را اجاره کرد. زنبورها در آن زمین که سرسبز هم بود رها کردیم. روز و شب به آن ها رسیدیم تا دوباره به زندگی برگردند و عسل تولید کنند.»

فریبا از روزهایی می گوید که پایه پای شوهرش در دشت می دوید تا زنبورها کندو و زندگی گروهی شان را ساماندهی کنند. کارشان قلق های عجیبی دارد.

زنبورها در بهار کوره می کنند، یعنی یک گروه وقتی به اندازه کافی بزرگ می شوند، دو قسمت می شود و یک گروه دیگر تشکیل می دهد. یکی باید مدام مراقب آن ها باشد که مبادا یک زنبور از گروهی جدا شود یا در دشت گم شود. باید روز و شب مراقب بود که زنبورها در زمان بارندگی رشدشان کم نشود و گردافشانی کنند. مدام باید به تغذیه آن ها رسید. وقتی هوا سرد می شود باید آن ها را به سمت هوای گرم کوچ داد. فریبا کوچ دهنده قهاری شده است در تمام این سال ها. آن ها توانستند با همکاری هم سرانجام در منطقه «کرند» دالاهو تولید عسلشان را بیشتر و بیشتر کنند و از ده، دوازده زنبور به تولید دو، سه تن عسل در سال برسند.

#### ■ راز همایون

همایون، شوهر فریبا، اما شروع کننده اصلی قصه زنبورداری است. همان مردی که عاشق زنبورهاست و سخت است برایش که بگوید زنبورهایش را بیشتر دوست دارد یا دو دخترش را. او رسم زندگی با زنبورها را درک کرده و هرچه در مورد زنبورداری است می داند. حال و هوای زنبورها را از

### ژاویه دید

عسل برای همایون تنها به مفهوم یک کالا برای فروش نیست، او عاشق زنبورهاست: «زنبورها از لباس سفید خوششان می آید و لباس سیاه را دوست ندارند. من حرف زنبورها را می فهمم. دیگر حتی نیش آن ها برام آزار دهنده نیست. صدبار هم در روز اگر نیشم بزند اتفاقی برام نمی افتد. من با زنبورها زندگی کرده ام و آن ها هم به من عسل می دهند و این عسل توانسته رونقی به زندگی من بدهد.»



## کتیو | ۲۹

●لحظه آها●  
●مهرامبرینری●

### نوروز کسب و کار

با نزدیک شدن نوروز جنبش و تحرک کم نظیری در همه مردم به ویژه صاحبان کسب و کارها پدید می آید. این جنب و جوش در بین فروشندگان و عرضه کنندگان محصولات مناسب روزهای پایان سال بیشتر است و کمتر کسب و کاری از این تغییر فضا و رفتار عمومی بی نصیب می ماند. اما در پس تلاش و شور عمومی چه گام هایی برای نوشدن و تحول در کسب و کارها برداشته می شود؟ آیا فرارسیدن نوروز در هر سال برای کسب و کارها به طور عمومی به معنای تازه شدن و طراوت و شادابی است؟

آنچه در این روزها رخ می دهد را نمی توان به نشاط تعبیر کرد، بلکه نشانه سرعت گرفتن برخی امور و تلاش برای رسیدن به نقطه پایان موقت یا برای برخی نقطه شروع دوباره است. گرچه شادمانی رسیدن بهار و نوشدن سیمای محیط می تواند ذهن را به این سمت متمایل کند که روند کارها در این روزها را به روندی نشاط انگیز تعبیر کند، اما روزهای پایانی سال برای صاحبان کسب و کارها بیش از همه بیانگر تلاش برای بستن پرونده کارهای جاری و کسب درآمد در بازار رفع نیازهای این فصل است. تکاپوی فراوانی که در این روزها به شکلی گسترده فضای عمومی جامعه را فرامی گیرد در درون خود نگرانی ها و مشکلات ویژه ای نیز به همراه دارد، مهم ترین نگرانی آنکه چرخه تکراری رفتارها و شیوه های اداره امور بر همان رویه و روند سابق بازتولید شود و سال نو بی آنکه نشانی از تازه شدن داشته باشد، تنها با دشواری های بیشتر آغاز شود.

صاحبان کسب و کارها هم مانند بسیاری از برنامه ریزان و مدیران مایل هستند نوشدن فصل را با تغییر و پوست اندازی در هر آنچه برایشان مهم است همراه کنند. اما این تمایل درونی همیشه با رفتار و رویه عملی سازگاری ندارد. تغییر و بهروزی، پیش از همه نیازمند دگرگونی و انقلاب درونی است. کسب و کارهایی که در طول یک سال با مشکلات و گرفتاری هایی دست و پنجه نرم کرده و در برخی امور ناکام مانده اند، در کنار تزریق انگیزه و امیدی که با نوشدن فصل همراه است، به تدوین برنامه نوین و نگرشی جدید نیاز دارند. نگرش و اندیشه تازه ای که از بهار طبیعت انگیزه حرکت بگیرد را می توان نویدبخش دانست، اما کدامیک از ما برای چنین چیزی آماده شده ایم؟

روزهای پایانی سال را می توان همچون سالیان گذشته تنها با تکاپوی تکمیل و اجرای برخی امور جاری بهسر برد. از طرفی می توان نگاهی دوباره به کارها و روند و بستر اجرای آن ها انداخت و پرسید: آیا زمان تغییر در برخی امور فراتر رسیده؟ آیا زمان آن نیست که از انجام برخی کارها دست بکشیم یا وارد حوزه هایی شویم که تا پیش از این رها کرده بودیم؟ آیا زمان آن نیست که با هدف کاهش هزینه و افزایش بهره وری تغییراتی را در سازمان کاری خود ایجاد کنیم؟ آیا بهتر نیست درباره افزایش دانش و مهارت خود و کارکنان برنامه ریزی و اقدام کنیم؟ آیا شیوه های ارتباطی و تبلیغی بهتری را نمی توان به کار بست؟ آیا...؟

دها پرسش کلیدی هستند که پاسخ مناسب به آن ها ما را در بهبود و گسترش کسب کارمان یاری می کند. یافتن پرسش های مناسب و جست و جوی عمیق برای پاسخ های درست می تواند بهار طبیعت را با نوسازی و بهسازی کسب و کارها هم زمان کند. در روزهای مواجهه با دشواری های مختلف اقتصادی بهتر است خود را نه تنها برای یک مناسبیت در تقویم بلکه برای نوشدن در همه زمینه ها آماده کنیم. تازگی و طراوت بهاری برای رسوخ در جان و زندگی همه ما نیازمند باز کردن آغوش برای تحول دارد. تغییر و بهروزی در کسب و کار تنها با ارزیابی دقیق و موشکافانه آنچه در طول یک سال کرده و نکرده ایم مقدور است. بهار طبیعت را با طراوت بخشیدن به کسب و کارمان همراه کنیم.



فریبا و همایون

دالاهو شده و آن ها توانستند از پس سختی های کار و حتی زلزله سهمگین برآیند: «من و همسرم امروز بالاخره توانستیم مشکلات بزرگی را پشت سر بگذاریم و هنوز هم این مشکلات وجود دارد. زلزله آمد و خانه پدرم را خراب کرد و زنبورهایمان را کشت، اما بدون هیچ کمکی حتی بدون وام دوباره زنبورها را زنده کردیم.»

همایون و فریبا حالا توانسته اند مشتری های پروپاقرصی پیدا کنند: «به تدریج مشتری هایم در طول زمان زیاد شدند. اولش تنها مسافران و افراد گزری و همشهری هایم بودند. حالا یک شبکه بزرگ ایجاد شده. هر سال مشتری هایم به من زنگ می زنند و من عسل را برایشان ارسال می کنم. همیشه عسلم را به شرط اینکه اگر بد باشد دوباره برایم پس بیاورند فروخته ام. در کارم صداقت داشتم مانند زنبورها و همین به داد من رسیده است.»

او حالا صفحه وب سایت و اینستاگرام «چاوهانا» را راه اندازی کرده به معنای «چشم هانا». هانا نام دخترش است: «امیدوار هستیم که با راه اندازی این صفحه از طریق شبکه های اجتماعی هم اقدام به فروش عسل کنیم.» عسل برای همایون و فریبا تنها به مفهوم یک کالا برای فروش نیست، او عاشق زنبورهاست: «زنبورها از لباس سفید خوششان می آید و لباس سیاه را دوست ندارند. من حرف زنبورها را می فهمم. دیگر حتی نیش آن ها برام آزار دهنده نیست. صدبار هم در روز اگر نیشم بزند اتفاقی برام نمی افتد. من با زنبورها زندگی کرده ام و آن ها هم به من عسل می دهند و این عسل توانسته رونقی به زندگی من بدهد.» همایون می گوید که آرزو دارم کارم را توسعه دهم و دست چند نفر از هم نوحه های خودم را بگیرم تا آن ها هم بتوانند زندگی خوبی داشته باشند.

دور تشخیص می دهد: «زنبورداری کار سخت و دشواری است، چون همه چیزش بستگی به هوا دارد. هر قدر بارندگی کم باشد، تولید بیشتر است. وقتی خشک سالی باشد به نفع ماست.»

همایون زمانی کارش را شروع کرد که تنها شش، هفت کندو بیشتر نداشت و در شش سال گذشته توانسته کندوهایش را به دویست عدد برساند. او را ز زندگی و کسب و کار را از زنبورها آموخته: «هر زنبوری باید وظیفه خودش را انجام دهد. هیچ زنبور غریبه ای را بین خودشان راه نمی دهند. یک زنبور، مسئول گردافشانی است. آن ها در کارشان بسیار دقیق هستند. زنبورها در کارشان صداقت دارند و مسئولیت؛ به این معنا که زنبورها هیچ چیزی را از هم پنهان نمی کنند.»

او زنبورها را الگوی خودش کرده و مانند آن ها عمل می کند: «تا امروز نشده کسی بتواند از عسل ما ابرادی بگیرد. من عسل هایم را به شرط این می فروشم که اگر بد باشد دوباره پس بیاورند. همیشه در کارم صداقت داشتم و وجدان. برای من در زندگی، اول خدا بوده، بعد وجدان.»

#### ■ زنبورها رنگ سفید را دوست دارند

حکایت همایون و فریبا و زنبورداری آن ها حالا زبانزد



بین المللی توسعه نیز رسیده است.» امید افزود: «اکنون ۳۸ هزار و ۵۰۰ روستای بالای ۲۰ خانوار در کشور داریم که از زیرساخت های لازم در زمینه برق، آب، راه، بهداشت و آموزش برخوردار هستند.» وی ادامه داد: «برای گاز رسانی به هر خانواده روستایی ۱۲۰ میلیون ریال در کشور هزینه می شود و اگرچه پس از انقلاب شاهد توسعه امکانات در روستاها بودیم، ولی مهاجرت روستائیان به شهرها افزایش یافته که علت آن، نبود اشتغال برای جوانان بوده است.» امید یادآور شد: «روستاهای ما ظرفیت های قابل توجهی دارند که باید از آن ها بهره برد و طرح های اشتغال زایی را در آن افزایش داد.»

جمعیت در کشور به ویژه روستاها نبود که در دولت «تدبیر و امید» با ارائه تسهیلات ویژه این مهم مورد توجه قرار گرفته است.»

امید گفت: «تاکیدات ویژه مقام معظم رهبری، رئیس جمهوری و همراهی خوب مجلس شورای اسلامی برای تحقق هرچه بیشتر طرح های اشتغال زایی روستایی ضرورت این مهم را دو چندان می کند.» وی ادامه داد: «روستا خوابگاه نیست بلکه در فرهنگ ایرانی، محل تولید و زندگی به شمار می رود.» معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری خاطرنشان کرد: «در نظام اسلامی خدمات ارزنده ای به روستاها شده که به تایید مراکز

#### ●خبر●

معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری اعلام کرد که اکنون ۱۸۰ هزار میلیارد ریال برای توسعه و ایجاد اشتغال در مناطق روستایی و محروم کشور پیش بینی شده است.

به گزارش «ایرنا»، محمد امید افزود: «این اعتبارات در قالب تسهیلات نه ساله و با سود شش درصد به تدریج در اختیار ساکنان روستاهای کشور قرار می گیرد.»

وی بیان داشت: «در گذشته ایجاد اشتغال هم پای توسعه